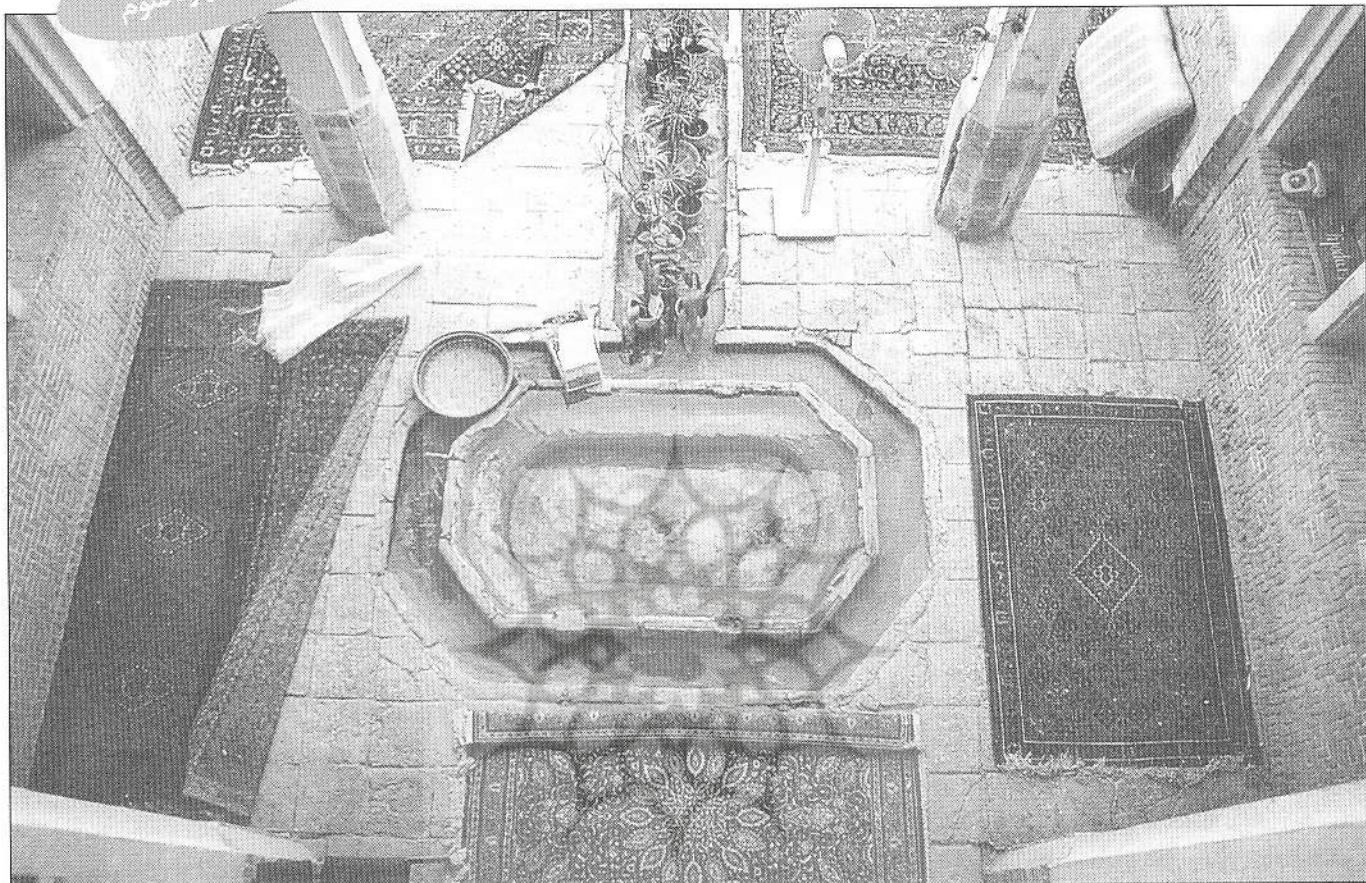


موزه‌ها و کارکردهای امروزی و آتی*

محمد رضا جواهری**

ویژه‌نامه
موزه در هزاره سوم



خانه سجادی، کاشان

کارکردهای نوین موزه‌داری در ابتدای هزاره سوم پیدا کرده است مورد بررسی قرار گیرد و ضرورت توجه به کارکردها و «از انحصار دولت بیرون آمدن» فعالیت‌های موزه‌ای مورد تأکید قرار گیرد. بنابراین در آغاز، مروری خواهیم داشت به مفهوم موزه در فرهنگ عامه و برداشتی که مردم به طور عام از موزه دارند. بعد مفهومی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که در حال حاضر کشورهای اروپای غربی، شمال آمریکا و برخی از کشورهای پیشرو (دیگر) درباره موزه و موزه‌داری پذیرفته‌اند؛ و در نهایت می‌پردازیم به ذکر پاره‌ای از روشهای عملی برای تغییر مفاهیم و کارکردها درباره موزه و موزه‌داری در ایران.

پولساز سوم جهان می‌گذارند و همچنین به سبب اهمیتی که در حفظ و دفاع از میراث هر یک از جوامع مختلف برای تحلیل نرفتن در قبال عواقب «جهانی شدن» یا «سیاره‌ای شدن» پیدا می‌کنند، دارای مقام و منزلتی بسیار متعالی گردیده و خواهند گردید. به صورتی که امروزه و طبق آمارهای موجود رابطه مستقیمی بین توسعه و رشد اقتصادی با تعداد موزه‌ها و نیز سرمایه‌گذاری، تنوع و گسترش فعالیت موزه‌ای برقرار است!

در این مقاله سعی می‌شود تا طرز تلقی و نگاه فعلی مردم و مسئولان و نیز مقامات تأثیرگذار در فعالیت‌های موزه‌ها و فاصله بسیاری که این برداشت با

پیشگفتار

توجه به کارکرد و نقش موزه‌ها در انتهای هزاره دوم یا دهه‌های پایانی قرن بیستم، و به تبع آن ابتدای هزاره سوم، یکی از محوری‌ترین عواملی است که می‌تواند باعث تحول و توسعه فعالیت‌های موزه‌ای در ایران شود، زیرا که موزه‌ها با کارکردهای نوین خود و بر اساس تعریف و مسئولیتی که به عهده گرفته‌اند — یا به عهده آنها گذاشته شده است — و تأثیری که در اقتصاد کشورهای توسعه یافته و نیز در حال توسعه از طریق جذب گردشگر یا صنعت

* «رابطه توسعه اقتصادی و فعالیت‌های موزه‌ای»، بخش دوم این مقاله در همایش «نقش موزه‌ها در توسعه فرهنگی» (همایش قبلی ایگوم ایران)، (تک: مجله موزه‌ها ش ۲۲).

** مدیر اداره کل موزه‌های بنیاد.

مروری بر مفاهیم موزه در گذشته و برداشت عامه از آن

موزه همانند اسم خود پدیده‌ای وارداتی است. با این تفاوت که پدیده‌های دیگر همچون تکنولوژیها به طور معمول هر از چندگاهی نوسازی می‌کنند اما با تأسف باید گفت که مفهوم موزه از جمله مواردی است که در کشور ما از ابتدای ورود تا کنون تفاوت چندانی نکرده است. و هنوز پس از سالها تغییر مفهوم و کارکرد در کشورهای توسعه یافته، تا این زمان ما برداشتی از موزه داریم که حداقل حدود چهل سال پیش در غرب از آن یاد می‌شده است. و شاید متأثر از همین برداشت است که توسعه در امر موزه‌داری و موزه‌شناسی در ایران، حرکتی نزدیک به صفر دارد. چه که وقتی صحبت از موزه در جامعه ما می‌شود بلافاصله محلی در ذهن تداعی می‌شود که برگرفته از همان مفهوم سنتی است. یعنی:

— محلی است برای نگهداری دور ریختنی‌ها و اشیای به درد نخور!
— انباری است مملو از آت و آشغال‌های غیرقابل استفاده که در ضمن می‌توان بدان مراجعه کرد!

— مجموعه‌ای از اشیای با هم بیگانه است که ساکت و بی‌روح در کنار هم چیده شده‌اند!
— آرامگاه آثار گذشتگان است تا اشیای مرده و ساکن یا نیش قبر شده، همه به رنگ خاک یا خاکستر، بیننده را یاد مرگ بیندازند!
— شاید جای خوبی است برای فرار دانش‌آموز و آموزگارش تا ساعتی از شر درس و مدرسه خلاص شوند!
— مکانی است برای مراجعه چند تا آدم متخصص تا اوقات فراغت خود را در آن جا تلف کنند.
— ساختمان قدیمی و فرسوده‌ای که خلاصه شده از آثار پیدا شده در حفاریهای باستان‌شناسی است!

با این تفسیرها تا حدی می‌توان به مردم حق داد و گفت به واقع، خیلی به موزه‌ها لطف دارند که به همین میزان هم از آنها بازدید می‌کنند. و از سوی دیگر هم مسئولین اعتبار و بودجه مناسب و درخور ارزش آنها را در اختیارشان قرار می‌دهند.

کارکردهای نوین موزه‌ها

در برخورد پویا (و همواره در حال تحول) با موضوع موزه‌داری، همچون جریان‌هایی که در دنیای دانش و تکنولوژی برقرار است، توفقی حتی کوتاه احساس نمی‌شود. یک سیر در حال تغییر یا «شدن» هر روز و در همه ابعاد به چشم می‌خورد، و همه چیز تحت مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد و از علوم، مهارت‌ها، انواع هنر و تولیدات مختلف بهره‌گیری می‌شود تا هر موضوع در موزه‌ها با آخرین دستاوردهای بشری تطبیق کند و جاذبه‌ای بیش از گذشته پیدا کند. مثل معماری، دکوراسیون، راهنمایی، نگهداری، مرمت، بازاریابی، ارتباطات، امنیت، به کارگیری انواع احساس، اطلاع رسانی، شناسایی، آموزش، فعالیت‌های جنبی، تبلیغ و... از سوی دیگر موزه‌ها در صورت ایستایی مثل هر پدیده مشابه دچار رکود، بی‌توجهی، انقراض و نابودی خواهند شد. و در رقابت با نهادهای نمایشی، پژوهشی یا اطلاع‌رسانی دیگر، عرصه بر آنها تنگ شده از دور رقابت خارج خواهند گردید. پس ناگزیر به پویایی و نیازمند به دانش و تجربه روز، باید خود را تجهیز کنند و از پا ننشینند. کافی است که برای یافتن روش مقابله با این اتفاق اخیر، نگاهی به اقدامات یونسکو و موضوع کنفرانس‌های بین‌المللی و سه سالانه دو یا سه دوره اخیر و یا نشست‌های کمیته‌های بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و وابسته به ایکوم (Icom) و نیز دیگر سازمانها و انجمن‌های مشابه در سطح جهانی بخصوص اروپای غربی و آمریکای شمالی و... بیندازیم. و موضوعاتی همچون موارد زیر را از آنها استخراج کنیم:

— جهانی شدن (Globalization)، همراهی با ابعاد مثبت و مقابله با ابعاد منفی (یا حفظ میراث ملی و محلی). این موضوع محور بحث کنفرانس ملیورن بود؛

— استقلال موزه‌ها و جلوگیری از صدمات وارد به آنها به دلیل ضعفهای مالی و شخصیت مایحتاج اغلب آنها. بحث اصلی کنفرانس بارسلونا؛

— خصوصی‌سازی موزه‌ها (به شرط حفظ آثار و میراث تاریخی آنها). موضوع مقالات بسیاری از کنفرانس‌های انجمنها و کمیته‌های ملی موزه‌های اروپای غربی، آمریکای شمالی و برخی از کشورهای اروپای شرقی و نیز کشورهایی همچون چین و...

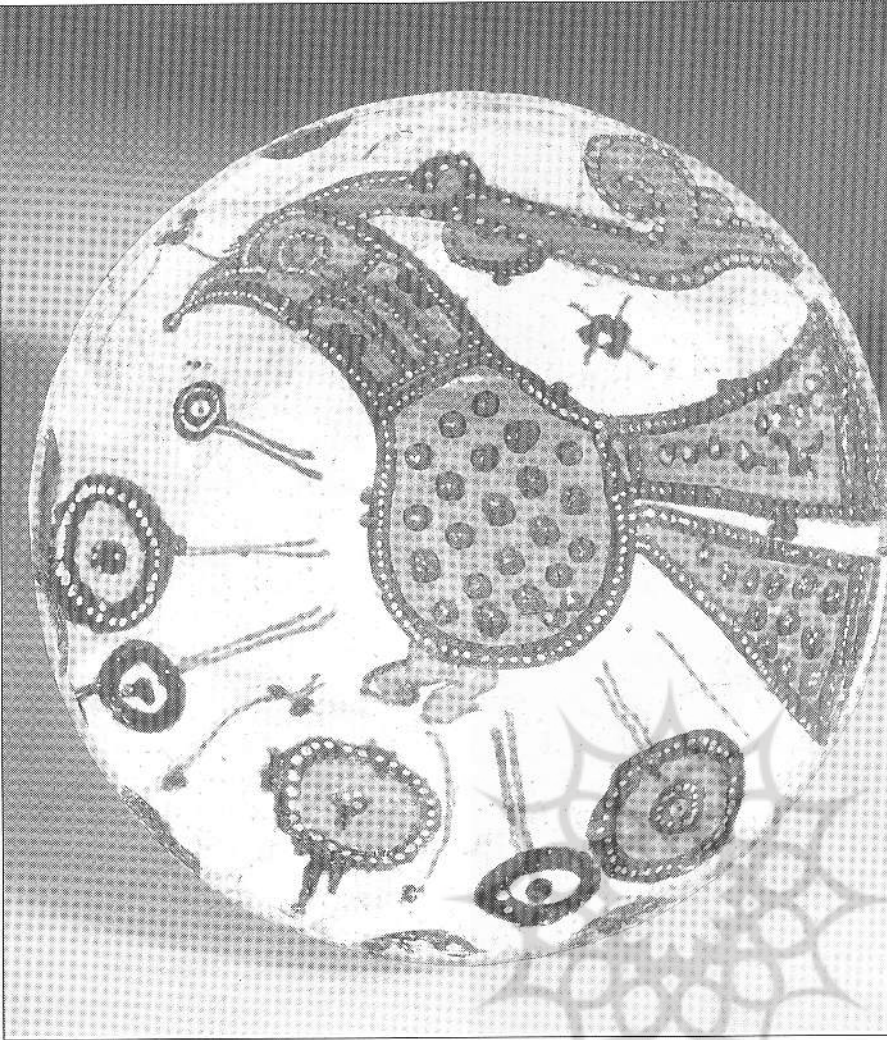
— میراث غیرملموس (Intangible Heritage)

و ضرورت ثبت و حفظ آنها. موضوع کنفرانس قبلی کمیته منطقه‌ای آسیا و اقیانوسیه و بحث اصلی کنفرانس آتی و سه سالانه شورای بین‌المللی موزه‌ها در سئول؛ و از همه مهمتر، موضوعی که در چند ساله اخیر و به صورت پشت سرهم از سوی یونسکو پیگیری می‌شود.

بدیهی است که مدیران و مسئولین تصمیم‌گیر در سطوح عالی با تأثر از موارد فوق یا در جهت تحقق مباحث یاد شده، وارد سیاستگذاری‌های کلان در حوزه فعالیت‌های موزه‌ای شده با هدف رسیدن به توسعه پایدار، حفظ منافع ملی، و در نظر گرفتن اقتصاد جهانی و... به کارکردهای جدیدی در امر «موزه‌داری» و «موزه‌شناسی» رسیده‌اند که در این جا به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم:

- «موزه‌ها نهادهای ثبت‌کننده عظمت تمدن و فرهنگ هر ملت و مهمترین عامل شناساندن ارزشهای ملی و بومی آن به دیگر مردم جهان هستند» (نمونه: موزه تاراکوتا در شهر شیان یا شهر ممنوع در پکن، هر دو در کشور چین)؛
- «موزه‌ها به منزله حافظه تاریخی یک ملت یا حافظ، حامل، ناقل و راوی پیام، احساس، اندیشه، شیوه رفتار و زندگی، طرز تلقی، جهان‌نگری، باورها، خواستهها و همچنین دلایل موفقیتها و شکستهای یک قوم و در نتیجه کسب تجربه از آنها محسوب می‌شوند.» (بدین تعبیر موزه‌ها را می‌توان تنها پنجره گشوده به گذشته‌ها در میان دیوارهای چند لایه و قطور دانست، و یا جامعه را همچون فردی تصور کرد که اگر حافظه خود را از دست بدهد و دچار فراموشی گردد، یا چه سرنوشتی روبه‌رو خواهد شد. نمونه: موزه تاریخ شهر پیوگ در بریتانیا)؛
- «موزه‌ها آرشيو کامل‌ترین، دقیق‌ترین و رستارین مستندات تاریخ هر ملت و تاریخچه هر موضوع هستند» (نمونه: موزه الواج سنگی و نوشتاری شهر پکن در چین)؛
- «موزه‌ها عامل ایجاد حس خودباوری به نسل امروز و آینده‌اند.» (مشاهده افتخارات و حاصل تلاشها و مقاومت‌های پدران و اجداد یا

کاسه سفالی با نقش پرنده (سفال نوع ساری)، موزه ملی ایران



نسلهای پیشین تأثیر بسزا در رفتار و نگرش جوانان خواهد گذاشت و آنان را در مقابل مشکلات و بروز هر گونه مسئله جدید آماده خواهد کرد. (نمونه: موزه بتیوون در شهر بن؛ کشور آلمان)؛

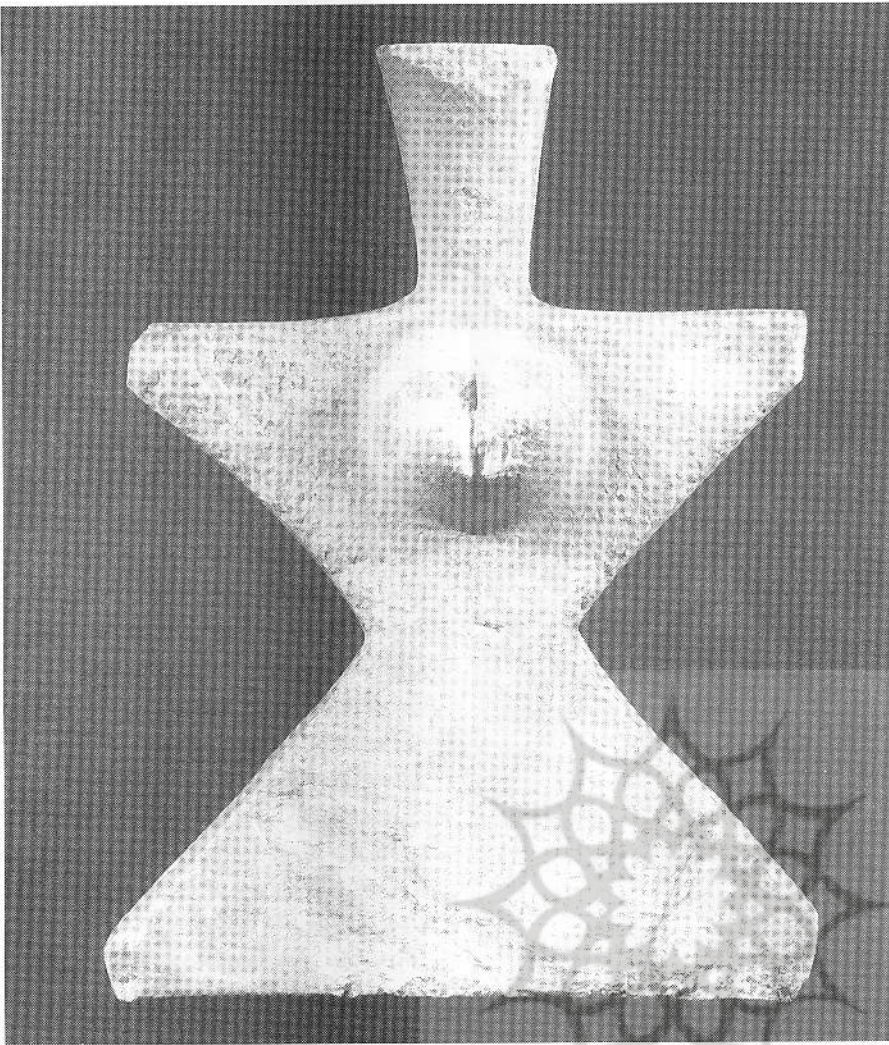
● «موزه‌ها بهترین ترجمان دانش تاریخ برای عامه مردم.» (آموزش تاریخ در خارج از محیط دانشگاهی و آموزشی، با توجه به تغییرات سریع و گسترده‌ای که امروزه در همه علوم شاهد هستیم. این امر که در حدود سه دهه اخیر مورد تأکید یونسکو نیز بوده است، از ضروریات جوامع توسعه یافته محسوب می‌شود. از سوی دیگر اقتضای سنی و مشغولیت‌های بزرگسالان، اجازه مطالعه و تحصیل در مقاطع طولانی را از آنها سلب می‌کند. ضمن این که، آموزش همراه با مشاهده» و «بهره‌گیری از حواس انسانی دیگر»، و در برخی از موارد «همراه با مشارکت» از جمله نکات مهمی تلقی می‌شوند که موزه‌ها را در استفاده از فنون مختلف برای این منظور ترغیب کرده‌اند (نمونه: موزه و مرکز مطالعات و ایکنیگها در همان شهر یورک، بریتانیا)؛

● «موزه‌ها (برگرفته از تعریف ایکوم) مهمترین عامل جذب توریسم، و با این کارکرد، یکی از بهترین زمینه‌های افزایش درآمد ملی در همه جوامع، حتی کشورهای فقیر دارند، هستند.» (گردشگری به عنوان یکی از سه صنعت اول یا اقتصاد پولساز جهان امروز و همچنین حلقه واسط بین فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی، توجه بسیاری از مقامات تصمیم‌گیرنده در کشورهای مختلف را به خود جلب کرده است و سرمایه‌گذاریهای کلانی را برای توسعه آن در پی داشته است. بی‌تردید، مهمترین بخش این سرمایه‌گذاریها در فعالیتهای موزه‌داری در کشورهای است که سریعتر خود را با این موضوع تطبیق داده‌اند به چشم می‌خورد. نمونه: تأثیر جذب توریسم از سوی موزه‌های مشهور لوور، ارمیتاژ، موزه بریتانیا در اقتصاد کشورهای فرانسه، روسیه و بریتانیا؛ و مقایسه اهمیت تعداد موزه‌ها و بررسی آمار آنها در کشورهای یاد شده

به عکس درصد نابودی و خروج این گونه آثار پی برد و آمار موزه‌ها و رابطه آن با این موضوع را در یک بررسی مقایسه‌ای استخراج کرد. به عنوان مثال اگر تعداد موزه‌ها در ایران ۴۰۰ و در چین ۲۰۰۰ باشد، متوجه می‌شویم که در کدام کشور، آمار نابودی، خروج و ورود این گونه از اشیاء بیشتر است. البته نباید از نقش سیاست‌گذاریها و تصمیمات دیگر غافل شد. نمونه: در یکی از موزه‌های بریتانیا مخزنی در نظر گرفته‌اند با گنجایش بسیار بالا. بعد از مردم خواسته‌اند که هر چه را که به دردشان نمی‌خورد بیابورند و تحویل این موزه دهند. مدیران این موزه معتقدند که تنها آثار باستانی، شیء موزه‌ای تلقی نمی‌شوند؛ بلکه اشیای «به ظاهر پیش‌پا افتاده» امروز نیز برای کودکان و نسلهای بعد، شیء موزه‌ای هستند. بنابراین باید دید که چه شیء و اثری با کدام هدف برای استفاده در کدام موزه مناسب است. یعنی ممکن است که هر کدام از آنها از منظر متفاوت

و همچنین اسپانیا، آلمان، چین، اتریش، ایتالیا و... در ضمن جالب است بدانیم که فقط در آمارهای کشور انگلستان سالانه موزه‌ها با ۷۷ میلیون نفر بازدیدکننده روبه‌رو هستند، یعنی بیش از جمعیت کل انگلستان و بیش از تعداد تماشاچیان فوتبال در این کشور که خاستگاه فوتبال جهان است. نکته قابل توجه دیگر این که در نظرخواهی از مسافران ورودی به شهرهای لندن و پاریس بسیاری از آنان هدف اول خود را دیدن موزه بریتانیا و موزه لوور ذکر می‌کنند)؛

● «موزه‌ها عامل جلوگیری یا نابودی و خروج اشیاء و آثار تاریخی از سرزمین بومی آنها و همچنین باعث ثبت و نگهداری طولانی آنها می‌شوند تا این ذخایر فرهنگی و مستندات علمی به دقت حفظ شده از گزند حوادث و خطرات مصون بمانند.» (می‌توان به راحتی به رابطه بین ظرفیت موزه‌های یک کشور و درصد حفاظت از آثار تاریخی و هنری و



تاریخی، هنری، اجتماعی، یا هر دسته از علوم مختلف، مورد توجه قرار گیرد.)؛

● «موزه‌ها می‌توانند عامل تبلیغ جهان‌نگری یا ارزشها و باورهای یک ملت در ملل دیگر شوند.» (نمونه: موزه‌های مصرشناسی در اروپا و آمریکا، موزه‌های تاریخ و تمدن چین در محله‌هایی با عنوان «China Town» در شهرهای مختلف دنیا و موزه‌های یهودیان در برخی از شهرهای اروپای غربی و شرقی و آمریکا)؛

● «موزه‌ها می‌توانند عامل حفظ خرده‌فرهنگها و ارزشهای مناطق بومی و محلی شوند.» (نمونه: موزه آبورجینال‌ها یا بومیان استرالیایی در شهر کانبرا در استرالیا و نیز انواع موزه‌های محلی)؛

● «موزه‌ها عامل همبستگیها و کاهش تنش‌های قومی هستند.» (نمونه: موزه ملیتها در شهر پکن در چین. در این موزه طراحان و عوامل اجرایی سعی کرده‌اند تا با

گردآوردن عناصر و اشیای تمام پنجاه و شش ملیت یا قوم ساکن در کشور چین و نیز شناسایی برخی افراد با استعداد از همان اقوام، و تأمین تحصیلات عالی آنان، نسبت به معرفی هر یک از اقوام مورد نظر و با تلاش خودشان، موزه بزرگی را در پکن راه‌اندازی کنند و مدعی هستند که با اجرای این طرح و با توجه به حواشی آن بخش مهمی از اختلافات قومی آنها را حل کرده‌اند.)؛

● «موزه‌ها عامل شکوفایی استعدادهای نهفته و رشد انگیزه‌های صنعتی و هنری و نیز توسعه خلاقیتها و الهام‌بخشی به جوانان از طریق تشریح پیچیدگیها و نمایش سیر تکامل تاریخی فنون و علوم مختلف می‌شوند.» (نمونه: موزه‌های علوم و فنون در شهرهای مونیخ، لندن، شانگهای و...)

● «موزه‌ها مناسب‌ترین نهاد برای بهره‌گیری بهینه از اوقات فراغتند» (در قیاس با انواع نهادها و زمینه‌هایی که برای گذران اوقات

فراغت وجود دارند موزه‌ها را می‌توان یکی از بهترینها معرفی کرد. البته نه موزه‌های موجود، زیرا که در موزه‌ها با کارکردهای مختلف امروزی می‌توان اوقات فراغت را توأم با «آموزش»، «تحریک خلاقیت‌ها»، «ایجاد همبستگی»، «تقویت بالندگی» و خلاصه «آماده‌سازی زمینه‌های رشد نیروی انسانی» - که مؤثرترین شاخص توسعه پایدار شناخته شده‌اند - صرف کرد. نمونه: موزه تاریخ طبیعی شهر لندن؛ و به طور کلی تنوع‌بخشی به دنیای موزه‌ها و ایجاد جاذبه‌های متنوع در آنها به صورتی که امروز به تعبیر موزه‌شناسان موضوعی نیست که در باره آن نتوان موزه‌ای ساخت.)؛

● «موزه‌ها عامل افزایش میزان تحمل و شکیبایی مردمنند.» (می‌گویند که پادشاهان و امپراتوران ادوار مختلف تاریخ به دلیل کسب تجربه از حوادث تاریخی قبل از خود علاقه بسیار به خواندن تاریخ یا گوش دادن به

داستانهای تاریخی داشتند تا با شناخت گذشته کمتر بی‌گدار به آب بزنند و یا خود را به مهلکه بینازند. برخی از مفسران و صاحب‌نظران فلسفه بیان مکرر حوادث تاریخی در قرآن کریم را از همین منظر تشریح می‌کنند و اعتقاد دارند که آشنایی با تجربه گذشتگان در مقام و موقعیت تصمیم منجر به انتخاب راه اصلح می‌شود و انسان را از عجله در تصمیم‌گیری دور می‌کند. و در یک کلام، به انسان «صبر» می‌بخشد. موزه‌ها با شرایط و تعاریف امروزی یکی از ظرف‌های مطلوب این محتوا هستند تا با رونقشان به مدیران، رهبران و مردم این ظرفیت را عطا کنند. نمونه: انواع موزه‌هایی که درباره جنگ دوم جهانی در هر دو گروه کشورهای موسوم به متفقین و متحدین احداث شده‌اند؛

- «موزه‌ها به منزله آزمایشگاه‌های علوم مختلف، بخصوص رشته تاریخ و رشته‌های وابسته به آن عمل می‌کنند.» (شاید با توجه به تجهیز آزمایشگاه‌های مختلف علمی از این به بعد به موزه‌ها کمتر توجه شود ولی واقعیتها نشان می‌دهند که موزه‌ها در انواع مختلف خود از مهمترین پایگاه‌های آزمایشگاهی محسوب می‌شوند. و این کارکرد آنها وقتی ملموس‌تر می‌شود که در آزمایشگاه‌های دیگر کمتر مردم عادی مراجعه می‌کنند. از این گذشته، اگر برای رشته‌های علوم طبیعی، ریاضی، مهندسی و... آزمایشگاه‌های مجهز ساخته شده‌اند در مورد رشته‌های علوم انسانی و بخصوص تاریخ، کمتر موردی به چشم خورده است. از این رو موزه‌ها مناسب‌ترین مکان‌های مطالعات آزمایشگاهی برای این دسته از رشته‌های علمی محسوب می‌شوند، و در آنها می‌توان به مشاهده، بررسی، تکرار تجربه، مقایسه و غیره دست زد - به شرطی که اسالک آثار صدمه نخورد - . نمونه: موزه ضرباخانه در شهر کانبرا در کشور استرالیا، که بازدیدکننده در آن ضمن تماشای موزه می‌تواند خود نیز سکه رایج این کشور را ضرب کند و از پشت دیوارهای شیشه‌ای تمام مراحل ضرب امروزی سکه را مشاهده نماید).
- «موزه‌ها، نمایشگر عزم ملی در برابر

تهدیدها و سختیها هستند.» (نمونه: موزه دفاع میهنی شهر مسکو در روسیه)؛

- «موزه‌ها عامل تبلیغ تجاری و افتخار دوره طولانی تولیدند.» (نمونه: موزه مرسدس بنز در شهر اشتوتگارت آلمان. این موزه مشابه موزه‌های کارخانه‌های تولیدی دیگر، با آوردن مشتریان شرکت از هر قشر به داخل خود، استحکام نمونه‌های قبلی، تکنولوژی‌های به کار رفته در آنها، حاصل پژوهش‌های علمی گذشته و در یک عبارت تداوم تولید با اقتدار در سالهای طولانی را به رخ آنها کشانده از این راه تأثیر بسزا در فروش و بازاریابی شرکت متبوع خود می‌گذارند.)

- «موزه‌ها واسطه نمایش تاریخچه علوم و پدیده‌های گوناگون به صورت تخصصی هستند.» (نمونه: موزه شکلات در شهر کلن آلمان، موزه نان در شهر سن‌پترزبورگ روسیه، موزه عطر در شهر بارسلونای اسپانیا، موزه فرش در تهران و صدها بلکه هزاران موزه تخصصی دیگر در سراسر دنیا).

روشهای عملی و به کار گرفته شده در کشورهای پیشرو برای توسعه و اصلاح کاربری موزه‌ها

امروزه در غالب کشورهای صنعتی و توسعه یافته بر اساس سیاستهای قبلی در امر موزه‌داری دست به تحولات گسترده زده‌اند و راه را برای رشد و تعالی موزه‌ها و انطباق با کارکردهای نوین آنها هموار کرده‌اند که به صورت خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- فراهم کردن زمینه فعالیت موزه‌های بخش خصوصی از طریق بخشودگیهای مالیاتی، حذف برخی از عوارض شهرداریها و...؛
- رایگان کردن یا اعمال تخفیفهای ویژه برای استفاده از خدمات عمومی و دولتی مثل مصارف آب، برق، گاز و غیره؛
- موظف کردن مستقیم و غیرمستقیم شهرداریها به حمایت همه جانبه از موزه‌ها اعم از حمایت‌های مالی، حقوقی، ساختمانی، تأسیساتی، اداری، پژوهشی و... به خاطر نقش مهم حضور موزه‌ها در شهرهای آنها در مواردی که موزه‌ها محلی محسوب می‌شوند، و اعمال

همین سیاست برای استانداران یا فرمانداران ایالات در سطح موزه‌های ایالتی یا استانی و برای وزارتخانه‌ها و سازمانهای کلان دولتی در سطح موزه‌های ملی و...

- به کارگیری انواع فنون روز، دستاوردهای علمی و بویژه هنر در ابعاد مختلف در موزه‌ها برای بالا بردن هر چه بیشتر جاذبه‌های آنها؛
- فراهم کردن زمینه‌های قانونی برای تملک و تعامل اشیاء و آثار تاریخی و هنری و ثبت این مالکیتها؛
- توجه به بالا بردن ارزش اقتصادی ساختمانهای قدیمی و تاریخی و به طور کلی آثار منقول و غیرمنقول تاریخی از طریق اعمال انواع تسهیلات و تبلیغات؛
- معرفی و اطلاع‌رسانی گسترده در جهت ترغیب مردم برای استفاده بیشتر از موزه‌ها با چاپ نقشه‌ها، راه‌اندازی اتوبوس‌های گردشگری و...؛
- تخصیص اعتبارات قابل توجه مالی و اراضی مناسب شهری برای ساخت و محوطه‌سازی موزه‌ها؛
- انتخاب موضوعهای جذاب برای موزه‌ها جهت افزایش انگیزه در جوانان و نوجوانان برای بهره‌گیری از موزه‌ها.